



**The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 14 rd.
Year/NO: 4 Winter 2022**

جایگاه مسؤولیت مدنی محض در حقوق کامن لا و ایران با تاکید بر قواعد فقهی

منصور نصرتی^۱ اسماعیل صغیری^۲ حسن پاشازاده^۳ علی غریبه^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

چکیده

مسؤولیت محض یا بدون اثبات تقصیر مسؤولیتی است که صرف نظر از وجود یا فقدان تقصیر عامل زیان و عدم لزوم اثبات آن به صرف احراز رابطه سببیت میان ضرر وارده و فعل زیانبار تحمیل می گردد. نظریه مناقشه موجود در باب مبنای مسؤولیت مدنی و حاکمیت هر یک از قواعد تقصیر و مسؤولیت محض و اعتقاد برخی از حقوقدانان بر عام بودن قاعده تقصیر و استثنایی بودن مسؤولیت محض، مطالعه تاریخیچه مسؤولیت مدنی در نظام کامن لا حاکی از آنست که از بدو پیدایش شبه جرم، هیچیک از قواعد مذکور به عنوان مبنای اصلی و عام مسؤولیت تلقی نشده و هر یک مستقلاً بسته به نوع شبه جرم ارتكابی، قابل اعمال می باشند و بررسی هادرا آثار نویسندگان معاصرنه تنها حکایت از نفی تعارض و تقابل قواعد فوق داشته، بلکه موید تعامل و وحدت دو مسؤولیت نیز می باشد. در حقوق ایران نیز با توجه به تبعیت قانون مدنی از قواعد فقهی همچون لاضرر، اتلاف (به مباشرت و به تسبیب) و ضمان ید که همگی دلالت بر اصل نفی ضرر و لزوم جبران ضرر بدون نیاز به اثبات تقصیر دارند، و تاکید اصول چهارم و هفتم و دوم قانون اساسی بر لزوم انطباق کلیه قوانین با موازین فقهی، مبنای اصلی و حاکم بر مسؤولیت مدنی، همانا مسؤولیت محض می باشد و تقصیر بعنوان مبنای استثنایی مسؤولیت و عمدتاً عامل احراز کننده رابطه سببیت تلقی می گردد.

کلید واژگان: رابطه سببیت، زیان، عامل زیان، مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، محض.

nosratim۰۴@gmail.com

esmaeilsaghiri@gmail.com

pashazadeh۰۵@gmail.com

gharibelawyer@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسوول)

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۴. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

مقدمه

یکی از مباحث نظری مهم و بنیادین در نظام مسئولیت مدنی، تعیین مبنای حاکم بر آن و پاسخ به این سؤال است که چرا عامل ورود زیان باید جبران خسارت نماید و زیان دیده بر چه اساسی و با چه شرایطی حق مطالبه خسارت دارد؟ در پاسخ به سؤال فوق و توجیه اصل لزوم جبران خسارت، حقوق خطاها همواره با دو نظریه اصلی و اساسی یعنی نظریه تقصیر و تئوری خطر که در حقوق کامن لا از آن به عنوان مسئولیت محض تعبیر می شود، مواجه بوده است.

در یک رابطه زیان بار، «هنگامی که خسارتی به بار می آید، اولین کسی که این خسارت را متحمل می شود، زیان دیده است، اما تحمیل جبری زیان به او همیشه به معنی باقی ماندن خسارت در موقعیت مادی اولیه آن نیست؛ زیرا گاه این زیان به واردکننده آن یا شخص دیگری منتقل یا تحمیل می شود. نظام مسئولیت مدنی برای این انتقال، تحقق شروطی را لازم دانسته است. این شروط به صورت مجموعه و تحت عنوان قواعدی همچون تقصیر و مسئولیت محض ارایه شده اند (جعفری، ۱۳۹۳، ص ۵).

لیکن موضوع اساسی و مناقشه برانگیز چه در نظام حقوقی کامن لا و چه در حقوق ایران، تعیین مبنای واقعی مسئولیت مدنی و چالشی است که در باب برتری و حاکمیت یکی از قواعد مزبور بعنوان قاعده عام و اصلی و دیگری بعنوان استثناء در قرون اخیر همواره موافقان و مخالفان بسیاری داشته است.

درواقع علیرغم اعتقاد عمومی بر رجحان مسئولیت مبتنی بر تقصیر بعنوان قاعده عام و اصلی نسبت به مسئولیت محض، این مقاله با واکاوی مناقشه موجود در صد رد چنین تلقی و نیز شناسایی جایگاه حقیقی مسئولیت محض بعنوان مبنای اساسی و مستقل و زوایای پیداپنهان آن در ساختار مسئولیت مدنی می باشد.

تبیین چنین جایگاهی ایجاب می نماید تا اولاً، تحولات مبنای مسئولیت مدنی در جهت اثبات تقدم تاریخی مسئولیت محض بر نظریه تقصیر و در عین حال، همسویی با آن در طول شکل گیری و حیات نهاد شبه جرم و همچنین فرایند تشکیل نظریه مسئولیت محض در نظام کامن لا بعنوان خاستگاه این نظریه مورد بررسی قرار گیرد. ثانیاً، کارکرد اهمیت روزافزون آن در نظام مدرن مسئولیت مدنی کامن لا تبیین گردد تا ضمن شناخت جایگاه ممتاز آن در قبال نظریه تقصیر، خلاء موجود در این زمینه بویژه در عرصه خسارات ناشی از فعالیت ها و اشیای خطرناک و تولیدات معیوب در قوانین و نیز رویه قضایی ایران، در صورت امکان رفع گردد. ثالثاً، پیشینه فقهی مسئولیت مدنی با محوریت قواعد فقهی که قانون مدنی و مجازات اسلامی ایران متأثر از آن می باشند مورد تاکید قرار گیرد تا معلوم گردد عنصر تقصیر به عنوان شرط تحقق مسئولیت مدنی، بلکه بطور عمده، عامل احراز رابطه سببیت در حقوق اسلام و به تبع آن در حقوق ایران تلقی گردیده و آنچه مبنای ایجاد مسئولیت می باشد، احراز رابطه سببیت است. امری که تاکنون در آثار نویسندگان آن گونه که باید و شاید مورد توجه کافی قرار نگرفته است.

از این رو، هدف از نگارش مقاله حاضر در وهله اول، اثبات عدم برتری نظریه تقصیر بر مسئولیت محض - آنطور که باور عمومی بر آنست - در هر دو نظام حقوقی ایران و کامن لا بوده و در وهله بعد، تبیین حاکمیت نظام کثرت گرایی یا تعدد قاعده و اعمال هریک از مسئولیت های فوق بسته به نوع شبه جرم ارتكابی و در عین حال، اثبات گرایش روزافزون به مسئولیت

محض و ترجیح آن بر نظریه تقصیر در نظام مدرن مسئولیت مدنی کامن لا بویژه در رابطه با حوادث و خسارات نوظهور می باشد.

همچنین در مورد حقوق ایران دغدغه نویسندگان مقاله، رفع ابهام و آگاهی بخشی نسبت به تصورات درستی است که در محافل حقوقی در خصوص نظریه تقصیر بعنوان مبانی عام و حاکم بر مسئولیت مدنی وجود دارد و علت آن تقلید اشتباه از تدوین کنندگان قانون مسئولیت مدنی از حقوق اروپا در وضع ماده یک ان قانون و نادیده گرفتن قواعد فقهی مقرر در قانون مدنی است که مغایرت این ماده با مقررات قانونی و قواعد فقهی و در نتیجه نسخ ضمنی و جزئی آن با عنایت به اصول مقرر در قانون اساسی مبنی بر لزوم انطباق کلیه قوانین با موازین فقهی، در این مقاله به اثبات رسیده است.

بعلاوه در بیان ضرورت انتخاب موضوع این پژوهش خاطر نشان می سازد، صرف نظر از مغفول ماندن جایگاه مسئولیت محض در ساختار مسئولیت مدنی خاصه در حقوق ایران که تلاش نگارندگان این مقاله، شناساندن موقعیت حقیقی مسئولیت فوق باتکیه بر قواعد فقهی است، با عنایت به پیشرفت علم و تکنولوژی و توسعه جوامع امروزی و در نتیجه، گسترش روز افزون حوادث و خسارات جدید، اعمال نظریه تقصیر در حل بسیاری از مسائل مربوط به مسئولیت مدنی با ناتوانی و ناکارآمدی روبروست، لذا گرایش بیش از پیش به مسئولیت محض در پاسخگویی به حوادث و زیان های نوظهور واقعیتی انکارناپذیر است که در این مقاله در بحث از کارکرد مسئولیت فوق به این مهم پرداخته شده است.

۱- پیشینه و تحولات تاریخی مبانی مسئولیت مدنی در حقوق کامن لا

۱-۱. تقدّم تاریخی مسئولیت محض بر قاعده تقصیر تا قبل از نیمه دوم قرن نوزدهم

تأیید از قرن نوزدهم نظام حاکم بر مسئولیت مدنی کامن لا، بر طبق اقسام دعاوی که هر یک قواعد خاص خود را داشت، سازمان می یافت و دعاوی مسئولیت مدنی، عمدتاً در قالب شبه جرم های سنتی مزاحمت و تجاوز به ملک یا شخص و به موجب قراری موسوم به دستور منع تجاوز و تعدی مطرح می شد. چنین قراری، احتیاجی به اثبات عمدی بودن صدمه وارده و یا تقصیر خواننده نداشته و تمامی شبه جرم های عمدی همچون تجاوز به ملک و مزاحمت، مبتنی بر مسئولیت محض بوده است. (Vandeveldt, ۱۹۹۰)

تقصیر و بی احتیاطی بعنوان غفلت از انجام وظیفه ای که حقوق بر اشخاص تحمیل کرده و نه به مفهوم امروزی قصور در اعمال مراقبت معقول تلقی می شد و اعمال مراقبت معقول، موجب معافیت خواننده از مسئولیت نمی شد.

(Lunney & Oliphant, ۲۰۰۸) بی احتیاطی به معنی اهمال در انجام تکلیف از پیش موجود بوده و چون خواننده بابت نقض چنین تعهدی و صرف نظر از علت قصور و اهمال وی، مسئولیت داشت، لذا معیار اصلی مسئولیت مدنی، مسئولیت محض بود.

نظریه کنونی تقصیر به مفهوم قصور در اعمال مراقبت معقول بتدریج تنها از سوی برخی از قضات که از لحاظ اقتصادی، تحت تأثیر منافع صاحبان مشاغل قرار گرفته بودند و در جهت حمایت از ایشان، در نظام کامن لا تثبیت گردید. (Kaczorowski, ۱۹۹۰)

۲-۱. تحولات مسؤولیت مدنی با شکل گیری حقوق شبه جرم از نیمه دوم قرن نوزدهم

از اواخر قرن نوزدهم با حذف فرم های سنتی دعاوی، حقوق شبه جرم به تبعیت از نظام حقوق نوشته، با ساختاری نظام مند، سه مبنای متمایز برای مسؤولیت شخص قائل گردید که در آن، یک شخص یا به طور عمدی، یا از روی بی احتیاطی و یا با بکارگیری فعالیتی - که مسؤولیت محض نام داشت - به دیگری خسارت وارد میکرد.

اوج مناقشات در تعیین مبنای مسؤولیت مدنی از همین زمان بوجود آمد و برخی از محاکم کامن لا با این اعتقاد که تحمیل مسؤولیت محض بر فعالان اقتصادی موجب به خطر افتادن حیات اقتصادی آنان می گردد، در حمایت از ایشان و تحت تأثیر جریان های فکری آن دوران، تمایل بیشتری به اعمال قاعده تقصیر نشان می دادند. (Gordley, ۲۰۰۰)

در مقابل، عده ای هم با انتقاد از مبنای تقصیر و دفاع از مسؤولیت محض، معتقد بودند مسؤولیت ناشی از شبه جرم های عمدی یا بی احتیاطی و تقصیر، مبتنی بر ملاحظات نظم عمومی می باشد و نه قابلیت سرزنش از نظر اخلاقی. (Vandevelde, ۱۹۹۰)

پیدایش نظریه تقصیر نیز تحت تأثیر دو جریان بود: ۱- وحدت مسؤولیت کیفری و مدنی: یعنی هم از نظر جزایی و هم مدنی، مسؤولیت درگرو ارتکاب تقصیر بود. ۲- آرمان اخلاق گرایی، که در نشر نظریه تقصیر مؤثر بود و تحت تأثیر تعالیم کلیسا، مسؤولیت را معلول شرمساری وجدان می دانست (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱).

بنابراین گرایش به نظریه تقصیر در قرن نوزدهم تحت تأثیر اندیشه های لیبرالیستی و بر مبنای مصلحتی زودگذر بر قدرت و ثروت صاحبان سرمایه می افزود و از جبران خسارت و حمایت از زیان دیدگان بلحاظ تعذر و یا تعسر اثبات تقصیر عاملین زیان، فاصله می گرفت اما بتدریج و با صنعتی شدن جوامع، به ناکارآمدی و افول گرایید.

۳-۱. تشکیل نظریه مسؤولیت محض مطابق با قاعده «ریلاندز» در حقوق انگلستان

با استقرار شبه جرم در نظام کامن لا، حقوق انگلستان را باید خاستگاه نظریه مسؤولیت محض دانست، زیرا مبنای نظریه فوق در سال ۱۸۶۸ از سوی مجلس لردها در دعوی ریلاندز علیه فلچ بنا نهاده شد.

در این پرونده خوانده دعوا (فلچر) از طریق پیمانکارانش، مبادرت به ساخت منبع آب بر روی زمین متعلق به خود می نماید. پیمانکاران، غافل از وجود یک معدن قدیمی در ملک مجاور متعلق به خواهان (ریلاندز)، پس از کند و کاو جهت نصب مخزن آب در زیر زمین کارفرمای خود، ناگهان با آثاری از وجود معابر معدنی بسیار قدیمی، مواجه می گردند. پس از نصب منبع و پر شدن آن از آب، به لحاظ ترکیبگی منبع فوق، آب از آن سرازیر شده و با ورود به ملک خواهان، موجب آبگرفتگی شدید معدن و ورود خساراتی به وی می گردد.

دادگاه بدوی خوانده را بر مبنای مسؤولیت محض محکوم نمود. (Danyluk, ۲۰۰۵)

مطابق با بخشی از این رأی: «قاعده صحیح حقوقی آنست که چنانچه کسی برای مقاصد شخصی خود، شی‌ای را به داخل ملک خود آورده باشد که احتمال دارد در اثر رها شدن آن شی، موجب ورود خسارت شود، باید خطر مربوط به نگهداری آن را بپذیرد و الا در صورت عدم مراقبت و محافظت، ظاهر بر این است که مسئول تمامی خسارات ناشی از آن می‌باشد. با این وجود، او می‌تواند با اثبات این که، رها شدن شی، ناشی از خطای زیان‌دیده و یا حوادث خارجی بوده، از مسؤولیت رهایی یابد».

تصمیم فوق در دادگاه عالی نیز تأیید شد، با این تفاوت که مرجع اخیر در رأی خود، عبارت مشهور استفاده غیرطبیعی را بعنوان عنصر اصلی شبه جرم فوق افزود. (Danyluk, ۲۰۰۵)

این تصمیم در اوج توجه عمومی به قاعده تقصیر به لحاظ افکار آزادی‌خواهانه و تعالیم مذهبی کلیسا در قرن نوزدهم، از این جهت که دادگاه، خوانده دعوا را نه بلحاظ بی‌احتیاطی، بلکه بعنوان یک فعالیت و استفاده غیرطبیعی از ملک خود، محکوم نموده بود، تصمیمی ساختارشکنانه بود و بعداً در حقوق آمریکامبنای نظریه فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک قرار گرفت. (Fleming, ۱۹۷۱).

۲- مسؤولیت محض، قاعده‌ای مستقل و در تعامل با نظریه تقصیر در نظام کثرت‌گرای کامن‌لا

صرفنظر از مناقشه موجود در باب حاکمیت هر یک از قواعد تقصیر و مسؤولیت محض، هیچیک از آنها از بدو پیدایش بعنوان مبنای اصلی و عام مسؤولیت مدنی در نظام کامن‌لا تلقی نشده، بلکه بطور متقارن و متوازن، هر یک مستقلاً بسته به نوع شبه جرم ارتكابی قابلیت اعمال داشته‌اند.

در واقع، نظام فوق مبتنی بر حقوق خطاهاست و نه حقوق خطا، یعنی هر خطایی قواعد ویژه خود را داشته و جبران خسارت از طریق عناوین خاصی با شرایط و آثارمختص خود صورت می‌گیرد که همان نظام کثرت‌گرایی یا تعدد قاعده نام دارد (نویسن، ۱۳۹۲). این عناوین از یک قاعده عمومی و مشترک پیروی ننموده و بلحاظ تعدد شبه جرم، هر یک مشمول یکی از نظریه‌های تقصیر و مسؤولیت محض می‌باشند.

مثلاً ضابطه مسؤولیت در شبه جرم‌هایی مثل مزاحمت، تجاوز و تعدی به ملک یا شخص، شبه جرم معروف به قاعده «ریلاندرز»، توهین یا افترا، مسؤولیت ناشی از عیب تولید و غصب و تصاحب مال، مبتنی بر مسؤولیت محض می‌باشند، لیکن شبه جرم‌هایی همچون بی‌احتیاطی، مسؤولیت متصرف و نیز مسؤولیت ناشی از حوادث رانندگی، مبتنی بر تقصیر هستند. (Steele, ۲۰۱۴)

امروزه بحث از تعامل این دو قاعده و بویژه آثار و ردپایی از تقصیر در قاعده مسؤولیت محض قوت گرفته و در برخی آثار حقوقی از عنوان جدید خطاهای مسؤولیت محض استفاده می‌شود.

«گرچه اندیشه مسؤولیت محض و تقصیر و نیز برداشت‌های جدید از رابطه سببیت، به ویژه فرض رابطه سببیت همگی محصول ضرورت‌های متفاوت زندگی اجتماعی در هر دوره و عصری بوده‌اند، تفاوت‌های موجود، موجب نشده است تا ارتباط میان این اصول و اندیشه‌ها بطور کامل قطع گردد.» (جعفری، ۱۳۹۳، ص ۱۸۵).

برخی موضوع ارتباط و تعامل قواعد تقصیر و مسؤولیت محض و آثاری از هریک در دیگری را اینگونه توجیه می‌نمایند: " وقتی مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، ناشی از بی‌احتیاطی یا مربوط به تقصیر در عمل باشد و نه تقصیر در عامل، به آن مسؤولیتی بدون سرزنش می‌گوئیم که عامل زیان حتی با ارایه هرگونه عذری برای قصور در رفتار خود، کماکان مسؤل است.

در نتیجه، مسؤولیت فوق‌شکلی از مسؤولیت محض تلقی می‌گردد، زیرا عامل زیان بدون نیاز به اثبات قابل سرزنش بودن وی از نظر اخلاقی، بابت قصور در رفتار خود (بی‌احتیاطی) مسؤل است و همانند مسؤولیت محض در این فرض، اثبات یکی از معاذیر از سوی او تأثیری در مسؤولیت وی ندارد.» (Coleman, ۱۹۹۲: ۲۱۷-۲۱۹)

ایشان با اشاره به این که تمامی قواعد مسؤولیت، در باطن خود، عنصری از مسؤولیت محض را دارا هستند، معتقدند که در مسؤولیت مبتنی بر تقصیر چنانچه زیان دیده قادر به اثبات تقصیر زیان‌زننده نباشد، ضرر بر دوش وی باقی می‌ماند، خواه مقصر بوده یا نبوده باشد. در واقع در این فرض، زیان دیده بابت زیان‌های وارده به خود مسؤولیت محض دارد.

متقابلاً در مسؤولیت محض اصولاً زیان بر دوش زیان‌زننده قرار می‌گیرد، مگر اینکه وی قادر به اثبات تقصیر جزئی یا کلی زیان دیده در ورود ضرر باشد که در این فرض با قاعده‌ای از مسؤولیت محض روبروئیم که عنصری از تقصیر (تقصیر زیان دیده) در آن دخالت دارد. (Coleman, ۱۹۹۲)

۳- کارکرد مسؤولیت محض در نظام مدرن مسؤولیت مدنی کامن‌لا

پیشرفت روزافزون تکنولوژی و بدنبال آن، ظهور حوادث و خطرات جدید، جبران خسارات ناشی از بکارگیری فعالیت‌های مخاطره‌آمیز و اشیاء و مواد خطرناک و معیوب را بواسطه تحمیل مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، مشکل و غیرممکن ساخته بود. بنابراین نظام فعلی کامن‌لا با درک ضرورت‌های جوامع امروزی و حمایت هر چه بیشتر زیان‌دیدگان، نه تنها لزومی به اثبات تقصیر زیان‌زندگان چنین خطرات و حوادثی ندانسته، بلکه به جبران خسارت گروهی از راه توزیع آن بویژه از طریق مکانیزم بیمه مسؤولیت، نظر داشته و حتی درصدد حذف اثبات رابطه سببیت و مفروض دانستن آن در زمینه فعالیت‌های صنعتی و تولیدی نیز می‌باشد.

از اینرو، در تبیین جایگاه مسؤولیت محض، اجمالاً به نقش آن در حوزه فعالیت‌ها و مواد خطرناک و نیز تولیدات معیوب پرداخته و سپس عملکرد مسؤولیت فوق در تحقق اهداف عدالت توزیعی و کارایی اقتصادی و بازدارندگی را بررسی می‌نمائیم.

۱-۳. مسؤولیت محض واشیاء و فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک

ریشه مسؤولیت محض ناشی از اشیاء و فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک را باید در قاعده معروف «ریلاندرز» که منجر به تشکیل نظریه مسؤولیت محض شده، جستجو نمود.

برخلاف حقوق انگلستان، نظام حقوقی آمریکابه تأسی از قاعده فوق، مسؤولیت محض ناشی از فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک را از اواسط قرن بیستم، بسط و توسعه داده است و علیرغم آنکه از نیمه دوم قرن نوزدهم در حقوق این کشور، شاهد مصادیقی از چنین فعالیت‌هایی از جمله مسؤولیت محض قانونی کارفرمایان در مورد حوادث ناشی از کار و شرکت‌های راه‌آهن بعنوان متصدیان حمل و نقل عمومی بابت خسارات وارده به کالاهای حمل شده و نیز بهره‌برداران هواپیما در حوادث حمل و نقل هوایی داخلی و همچنین مسؤولیت محض ناشی از تولیدات معیوب و خطرناک بوده‌ایم، نظریه فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک از اواسط قرن بیستم در اعلامیه‌های قواعد مسؤولیت مدنی این کشور رسمیت یافت. (Bruggemeier, ۲۰۱۲: ۱۳)

ماده ۲۰ اعلامیه سوم قواعد مسؤولیت مدنی آمریکا، مقرر میدارد: «عاملی که یک فعالیت فوق‌العاده خطرناکی را بکار می‌گیرد، نسبت به خسارات جسمانی ناشی از آن فعالیت، واجد مسؤولیت محض شناخته می‌شود. فعالیت فوق‌العاده خطرناک محسوب می‌شود که الف: ایجادکننده خطر قابل پیش‌بینی و فوق‌العاده شدیدی از آسیب جسمانی باشد، حتی وقتی که مراقبت معقول از سوی تمامی عوامل بعمل آمده باشد و ب: یکی از فعالیت‌های عرفاً مرسوم و متداول نباشد.» البته در تفسیر نوع خسارت مندرج در ماده اخیر که از عبارت «صدمه فیزیکی» استفاده شده، آن را در معنای عام و شامل آسیب بدنی و نیز خسارت مالی دانسته‌اند. (Mann & Roberts, ۲۰۱۶)

عمده فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناکی که امروزه نسبت به آنها مسؤولیت محض تحمیل می‌گردد عبارتند از: حوادث اتمی (هسته‌ای)، خسارات و آلودگی زیست‌محیطی، انباشته شدن آب یا فاضلاب در یک مکانی به میزانی که موجب خطر باشد، ذخیره یا نگهداری مواد منفجره یا مایعات قابل اشتعال، فعالیت انفجار و تخریب ساختمان، انتشار گازهای سمی، انتشار فضولات و پسماندهای خطرناک و مواد شیمیایی به محیط‌زیست و مصادیقی از این قبیل.

۲-۳. مسؤولیت محض ناشی از عیب تولید

مهم‌ترین تحول در نظام مسؤولیت مدنی کامن‌لا، حوزه مربوط به تولیدات معیوب است. بدون تردید، رویه قضایی آمریکا را باید پرچمدار چنین تحولی دانست؛ آنجا که دادگاه عالی کالیفرنیا در پاسخ به مشکلات ناشی از اثبات تقصیر تولیدکننده، در یک تصمیم کاملاً پیشرفته از سوی قاضی ترینورد در دعوی اسکولا علیه شرکت کوکاکولا در سال ۱۹۴۴، نظریه مسؤولیت محض را نسبت به دعاوی ناشی از عیب تولید تثبیت نمود و از آن زمان به بعد شاهد گرایش همگانی نظام‌های حقوقی به این نظریه بوده‌ایم، که از جمله می‌توان به دستورالعمل مسؤولیت محض ناشی از عیب تولید اتحادیه اروپا در سال ۱۹۸۵ و به تبع آن قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۹۸۷ انگلستان اشاره کرد.

در دعوی مزبور، شیشه نوشابه در دست یکی از خدمه رستورانی می‌شکند و به وی آسیب وارد می‌نماید. قاضی ترینور در تصمیم خود با اعمال مسؤولیت محض، اعلام نمود که هدف اصلی مسؤولیت مدنی، ایجاد تعادل اقتصادی است و مبنای نظر وی این بود که تولید کننده، یک منفعت و مزیت نسبی در بیمه کردن کالا و نیز مدیریت خطر ناشی از تولید را داراست. به عقیده وی، تقصیر تولید کننده، دیگر نباید بعنوان مبنای منحصر جهت امکان مطالبه خسارت برای خواهان در دعاوی ای از جمله دعوی حاضر، انتخاب گردد و اکنون باید این موضوع را برسمیت شناخت که یک تولید کننده، هنگامیکه کالایی را با علم به این که قرار است بدون کنترل و بازرسی مورد استفاده قرار گیرد، وارد بازار می‌نماید و ثابت می‌شود که واجد یک عیب بوجود آورنده صدمه نسبت به افراد می‌باشد، مسؤولیت بدون تقصیر (مسؤولیت محض) دارد. با این وجود، حتی اگر هیچ تقصیری وجود نداشته باشد، «نظم عمومی» اقتضاء می‌کند که مسؤولیت در هر مورد که بطور مؤثری خطرات مربوط به جان و سلامتی ناشی از کالاهای معیوب وارد شده به بازار را کاهش می‌دهد، تحمیل گردد. (Garven, 2005)

۳-۳. نقش مسؤولیت محض در توزیع ضرر و تحقق عدالت توزیعی

امکان عملی جبران خسارت واقعی از زیان دیدگان حوادث، بویژه خسارات اتفاقی در دنیای امروز، مستلزم حرکت نظام حقوقی از مسؤولیت فردی به سمت مسؤولیت جمعی و گروهی است. برخلاف عدالت اصلاحی، که عدالت میان طرفین زیان بوده و جبران خسارت را صرفاً در محدوده رابطه ایشان ارزیابی می‌نماید، لازمه زندگی امروز، تحقق اهداف عدالت توزیعی است که نیازمند توزیع عادلانه و یکسان ثروت (منافع) یا تکالیف (هزینه‌ها) میان اعضای جامعه یا گروه خاصی از آن می‌باشد.

یکی از مبانی با ثبات برای مسؤولیت محض، توجیه توزیع ضرر می‌باشد که بعنوان مبنایی برای مسؤولیت محض ناشی از تولیدات معیوب، و متعاقباً نظریه مسؤولیت ناشی از فعالیت واحدهای صنعتی و تولیدی^۱ قلمداد شد و در قالب نظریه اخیر تثبیت گردید. (Gerhart, 2010)

«بر پایه اندیشه عدالت توزیعی، تمامی خسارات باید صرفنظر از منشاء آن، میان اعضای جامعه یا گروهی خاص، پخش گردد. هدف این تفکر، کاستن از فشار ناروایی است که بردوش زیان دیده، ناشی از جبران انفرادی خسارت، سنگینی می‌کند. جبران خسارت از طریق توزیع آن، جانشینی مناسب برای مسؤولیت‌های فردی است و نوعی جبران خسارت مشارکتی است که چون مانع از تحمیل خسارت به یک فرد خاص می‌گردد، کارکردی همچون «بیمه یا بانک مسؤولیت» دارد.» (جعفری، ۱۳۹۳: ۱۳۲).

^۱ مسؤولیت ناشی از فعالیت واحدهای صنعتی و تولیدی که در حقوق ایالات متحده، شکل مدرنی از مسؤولیت محض تلقی می‌شود، منبعث از قوانین جبران خسارت کارگران و نظریه مسؤولیت نیابتی (ناشی از فعل غیر) و متعاقباً مسؤولیت ناشی از عیب تولید می‌باشد و مسؤولیتی تحمیل شده بر واحدهای صنعتی و تولیدی به عنوان یک مجموعه و شخصیت حقوقی واحد که عبارتست از مسؤولیت ناشی از خطرات اختصاصی یک فعالیت صنعتی و تجاری و تحمیل شده بر آن فعالیت، به منظور توزیع هزینه‌های فعالیت فوق میان همه کسانی که از صدمه ناشی از بکارگیری آن فعالیت، منتفع می‌شوند. برای توضیح بیشتر در این خصوص، ر.ک: Keating, Gregory, "Product Liability as" Enterprise Liability, USC Gould School. Of Law, 2016.

مسئولیت مدنی از طریق «مسئولیت محض» و «بیمه مسئولیت»، سازوکاری است که بهتر می‌تواند در خدمت اندیشه عدالت توزیعی باشد، زیرا به خوبی می‌تواند با ایجاد زمینه اجرای اندیشه جبران خسارت از طریق توزیع آن، از تمرکز زیان در یک نقطه جلوگیری کرده، با تقسیم خسارت بوسیله عامل زیان، به انتفاع و کارایی اجتماعی منجر گردد (جعفری، ۱۳۹۳).

«هزینه‌های مربوط به حوادث ناشی از فعالیت صنعتی بکار گرفته شده، باید میان اعضای بکار گیرنده که از آن فعالیت منتفع گردیده‌اند، توزیع شود و نباید تماماً بر دوش زیان‌دیده متمرکز گردد. عدالت، مستلزم توزیع عادلانه بار زیان و منافع می‌باشد و هزینه‌های اختصاصی مربوط به صدمات اتفاقی یک فعالیت، باید توسط منتفعین آن تحمل گردد، حتی اگر در ایجاد خسارات، تقصیری هم نداشته باشند.» (Keating, ۲۰۰۱: ۱۲۸۶) زیرا او بهترین شخصی است که قادر به توزیع خطر میان عموم افراد با ابزار قیمت‌ها و بیمه می‌باشد. (Prosser, ۱۹۵۵)

۳-۴. نقش مسئولیت محض در تحقق کارایی اقتصادی و بازدارندگی

نگرش اقتصادی به مسئولیت مدنی در قرون اخیر، توجه بسیاری از حقوق‌دانان را به خود جلب نموده و هدف از آن، تحقق کارایی اقتصادی است که مهم‌ترین مکانیزم‌های آن، عبارت از سیاست درونی کردن هزینه‌های خارجی و بازدارندگی اقتصادی می‌باشند.

مسئولیت مدنی همانند مالیات، ابزاری برای تحقق سیاست «درونی ساختن هزینه‌های خارجی» می‌باشد، زیرا بکارگیرندگان فعالیت‌های زیانبار را وادار می‌نماید تا هزینه‌های زیانبار فعالیت خود را جزو هزینه‌های نهایی خصوصی فعالیت خود به حساب آورند یا بعبارتی، درونی سازند.

مسئولیت محض از مهمترین روش‌های تحقق چنین سیاستی است، زیرا بطور مستقیم موجب تحمیل هزینه‌های واقعی فعالیت بر دوش بکارگیرندگان آن شده، و اینگونه میزان فعالیت‌ها به سطحی مطلوب رسیده و موجب می‌گردد تا کالاها و خدمات به نحو بهینه از لحاظ اجتماعی تخصیص یابند (بادینی، ۱۳۹۲).

مطابق با تحلیل اقتصادی حقوق، مسئولیت محض بواسطه جبران کامل خسارات، موجب می‌شود که زیان‌زندگان، خطری را که به دیگران تحمیل می‌کنند، درونی سازند و در نتیجه آن، سطوح احتیاط و فعالیت آنها کارآمد خواهد شد؛ اما چنین استنتاجی نسبت به مسئولیت مبتنی بر تقصیر، به آسانی بدست نمی‌آید، زیرا مسئولیت فوق، عاملین زیان را ترغیب به فرار از مسئولیت بواسطه بکاربردن و رعایت معیار مراقبت قانونی می‌نماید و به واسطه چنین راه فراری، زیان‌زندگان محتاط، بیشتر به فعالیت‌های زیانبار روی می‌آورند؛ در عوض، رغبتی به انجام فعالیت مفید و انتفاعی نشان نمی‌دهند. (Cooter & Porat, ۲۰۰۶)

بازدارندگی اقتصادی نیز یکی از روش‌های تحقق کارایی اقتصادی است که افراد را وادار می‌نماید تا هزینه‌های حوادث و پیشگیری از آن را به حداقل ممکن برسانند و در این راه، بهترین انتخاب برای تحمیل مسئولیت، کسی است که با کمترین هزینه مبادرت به تدابیر بازدارندگی و پیشگیری بنماید.

۴. حاکمیت مسؤولیت محض در ساختار حقوق مسؤولیت مدنی ایران

مبنای مسؤولیت مدنی در حقوق ایران، همواره با چالش‌هایی روبرو بوده و گفتگو در باب مبنای اصلی و عام مسؤولیت بسیار است. یکی از دلایل آن پراکندگی مقررات مسؤولیت مدنی در قوانین عام یعنی قانون مدنی و مجازات اسلامی و قوانینی خاص مثل قانون مسؤولیت مدنی و بیمه اجباری دارندگان خودرو و دلیل دیگر آن، دوگانگی در مقررات از حیث تبعیت از فقه اسلامی از یکطرف و اقتباس از حقوق اروپا از سوی دیگر می‌باشد.

از اینرو، در مبحث حاضر برآنیم تا با استناد به اصولی از قانون اساسی و مقررات مرتبط در قوانین عام، مسؤولیت محض را بعنوان مبنای اصلی مسؤولیت مدنی در حقوق ایران معرفی نموده و بر نقش عمده عنصر «تقصیر» به عنوان عامل احراز رابطه سببیت و نیز برطرف کننده مانع «استیمان» در باب امانات، تأکید نمائیم.

۴-۱- مسؤولیت محض در قانون مدنی مطابق با قواعد فقهی

صرف نظر از تأکید برخی از اصول قانون اساسی مبنی بر لزوم انطباق کلیه مقررات قانونی با موازین اسلامی، قانون مدنی در یک قرن اخیر به تبعیت از فقه امامیه، در باب الزامات بدون قرارداد، بی‌آنکه صحبتی از تقصیر بمیان بیاورد، مسؤولیت مدنی را با عنوان ضمان قهری، مبتنی بر قواعدی از فقه که همگی دلالت بر جبران ضرر بدون نیاز به اثبات تقصیر می‌نمایند، دانسته است.

مطابق با ماده ۳۰۷ قانون مدنی: «امور ذیل، موجب ضمان قهری^۱ است: ۱- غصب و آنچه در حکم غصب است؛ ۲- اتلاف؛ ۳- تسبیب و ۴- استیفاء». ذیلاً به بررسی اجمالی اتلاف و تسبیب که عمدتاً بحث از مبنای مسؤولیت مدنی حول محور این دو قاعده می‌چرخد و برخی دیگر از قواعد فقهی پرداخته می‌شود:

۴-۱-۱- قاعده اتلاف

بموجب ماده ۳۲۸ قانون مدنی: «هر کس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است».

«قاعده اتلاف، یعنی ضمان بدون تقصیر، مورد اتفاق همه فقهای امامیه و بلکه فقیهان همه فرقه‌های اسلامی است و می‌توان گفت که نه تنها این قاعده از مسلمانات است بلکه از ضروریات دین اسلام است.» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳).

^۱ در اکثر آثار نویسندگان به جای عبارت «ضمان قهری»، از ترکیب «مسؤولیت مدنی» استفاده می‌شود که ترکیبی عاریتی و مقتبس از حقوق فرانسه می‌باشد و کاربرد ترکیب اخیر، ای توهم را در ذهن ایجاد می‌نماید که گویی نظام حقوقی ایران از سابقه بحث در این زمینه که همانا «ضمان قهری» است، برخوردار نبوده است. حتی در نظام کامن‌لا هم در آثار حقوقی متعددی به جای کاربرد «مسؤولیت مدنی» از عبارت «شبه جرم یا خطای مدنی» (Tort) استفاده می‌گردد.

«قانون مدنی در باب اتلاف که مقصود از آن اتلاف بالمباشره یا مستقیم است بی شک، مسؤولیت نوعی و بدون تقصیر را پذیرفته و تقصیر را شرط مسؤولیت، قرار نداده است.» (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۸۰).

بموجب اطلاق قاعده اتلاف، در وقوع نوع ضمان، عنصر عمد و قصد هیچ دخالتی ندارد و متلف، ضامن و ملزم به جبران خسارت وارده می باشد، منتهی، احراز انتساب عمل به فاعل، ضروری بوده و هر چند اراده و عزم نسبت به اتلاف و تعمد به اضرار به غیر، ضروری نیست اما فاعلیت در عمل و تحقق انتساب و ارتباط با پدیده تلف، لازم است (محقق داماد، ۱۳۸۱).

۴-۱-۲ قاعده تسبیب

مواد ۳۳۱ تا ۳۳۵ قانون مدنی به قاعده تسبیب اختصاص دارند. ماده ۳۳۱ این قانون، بدون ذکر از "تقصیر"، در بیان مفهوم تسبیب، چنین مقرر می دارد: «هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید.»

عمده اختلافات بین حقوقدانان در خصوص قاعده مزبور بوده و علیرغم عدم تصریح به «تقصیر» در ماده اخیر، برخی تسبیب را در صورتی ضمان آور می دانند که عرفاً تجاوز و عدوان باشد، گرچه در شرع، در زمره اعمال حرام به حساب نیاید و در اکثر موارد، تقصیر را در ایجاد ضمان، مؤثر دانسته و معتقدند که در تسبیب، علت مستقیم تلف، یا حادثه خارجی است یا فعل دیگری، و عامل ایجاد سبب، با تعدی یا تفریط خود، زمینه را برای تأثیر علت فراهم کرده یا جزئی از علت را ایجاد کرده است (کاتوزیان، ۱۳۷۸).

عده ای نیز با این بیان که تقصیر در مفهوم تسبیب، نهفته است و تا شخصی، عملی غیر مجاز انجام ندهد یا عهده دار وظیفه ای نباشد، فعل و ترک فعل وی را نمی توان به عنوان تسبیب، موجب مسؤولیت مدنی دانست، همان راه را رفته اند (عباسلو، ۱۳۹۴).

در رد نظری که تقصیر را در تسبیب، شرط تحقق مسؤولیت می داند باید گفت، در فقه، اتلاف و تسبیب هرگز به طور مجزا و با شرایط تحقق و مبنای مستقل از هم مورد بحث واقع نشده، بلکه زیر عنوان واحد «اتلاف»، صحبت از «اتلاف به مباشرت» و «اتلاف به تسبیب» مطرح بوده است. بهترین تعبیر در کلا فقها در این باره را باید در استدلال «صاحب عناوین»، مرحوم حسینی مراغه ای جست؛ ایشان بی آنکه تسبیب را جزو موجبات ضمان قهری تصریح نماید، آن را از انواع اتلاف دانسته و معتقد است؛ «اتلاف، گاه به مباشرت است و گاه به تسبیب؛ قانون مدنی نیز روشن نیست که از چه رو تسبیب را در عرض اتلاف آورده است، در حالی که در وضع قاعده ضمان آور بودن تسبیب، به «تلف» اشاره می کند: «هر کس سبب تلف مالی بشود، باید مثل یا قیمت آن را بدهد...».

حق این است که مباشر بودن یا سبب بودن اتلاف کننده، اهمیتی ندارد، زیرا مباشرت و تسبیب، به مرتبه معلومی اختصاص ندارد، بلکه اتلاف کننده، گاه سبب است و یا سبب سبب، و گاه همین طور سلسله اسباب بالا می رود و دور

می‌شود و چون منشاء ضمان، آن‌گونه که از ظاهر نصوص و فتاوی فهمیده می‌شود، اتلاف است، پس ملاک، «صدق عرفی تلف» است و این که فقها، اتلاف‌کننده را گاه مباشر و گاه سبب ذکر کرده‌اند، برای ایجاد ضابطه‌ای است که دانسته شود، به موجب چه ضابطه‌ای عرف، کسی را ضامن می‌داند والا شرعاً دلیلی بر مباشرت و تسبیب و مقدم بودن یکی از آنها بر دیگری - در صورت وجود هر دو - نیست. بنابراین باید معیار را صدق عرفی تلف دانست.» (حسینی مراغه‌ای، ۱۳۸۷: ۱۹). چراکه ضمان در فقه جزو احکام وضعی است نه احکام تکلیفی و بواسطه صدق اتلاف و اضرار در عمل و انتساب عرفی ضرر به رفتار زیان‌بار ایجاد می‌گردد. (محقق نائینی، ۱۳۱۳ق)

مؤید نظر اخیر را می‌توان در فصل "موجبات ضمان" در باب دیه از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ - به عنوان یکی از منابع اصلی مسؤولیت مدنی دانست که در آن به توصیف اتلاف و تسبیب در مورد ایراد خسارات جانی مشابه با احکام قانون مدنی پرداخته و نیز حکم مقرر در ماده ۴۹۲ قانون مجازات^۱ که در آن هیچ‌گونه تمایزی میان اتلاف و تسبیب دیده نمی‌شود.

یکی از حقوق‌دانان بار رد نظر کسانی که با تفکیک اتلاف از تسبیب، مبنای تقصیر را برای قاعده تسبیب معرفی می‌نمایند، معتقد است: «تصریحات قانونی مدنی و قانون مجازات اسلامی و کنکاش در احکام فقه امامیه که منشاء اصلی این دو قانون است، مؤید آنست که تقصیر، مبنای مسؤولیت مدنی در این قوانین و فقه امامیه نبوده و ایراد خسارت چه از باب اتلاف و چه تسبیب، بر مسؤولیت مطلق بنا نهاده شده است. در واقع، همان‌طور که در مواد قانون مدنی (۳۲۸ و ۳۳۱) و قانون مجازات اسلامی (ماده ۴۹۲) در خصوص اتلاف و تسبیب و بیان قاعده کلی مسؤولیت آمده است، صرف رابطه استناد خسارت به فرد، چه به نحو مستقیم (اتلاف و چه غیرمستقیم (تسبیب)، موجب تکلیف زیان‌زننده به جبران خسارت است و این حکم، موکول و مقید به اثبات تقصیر نشده است.» (بابایی، ۱۳۹۴، صص ۱۳۷-۱۳۸).

یکی از فقها بخوبی به نقش تجاوز و عدوان و عنصر تقصیر در وقوع «تسبیب» اشاره می‌نماید: «آنچه اهمیت دارد، ورود ضرر می‌باشد و نه نامشروع بودن تصرف، و ضرورت من غیر حق و عدوانی بودن عمل مسبب، به خاطر احراز رابطه سببیت میان فعل او و ورود ضرر است.» (کاشف الغطاء، بی تا، ص ۱۴۸)

همچنین گفته شده است: «در اتلاف، چه به مباشرت و چه به تسبیب باشد، همین که استناد و انتساب در نظر عرف، محقق شد، ضمان، اثر قهری و حکم وضعی قضیه خواهد بود.» (حائری شهاباغ، ۱۳۸۷، ص ۳۱۸).

۴-۲ سایر قواعد فقهی توجیه‌کننده مسؤولیت محض

در تبیین قواعد فقهی مرتبط با بحث، با توجه به ریشه فقهی مسؤولیت مدنی در مقررات قانون مدنی و مجازات اسلامی، بطور کلی می‌بایست، مسؤولیت مدنی را به دو بخش عمده یعنی مسؤولیت مدنی متصرف و غیرمتصرف تقسیم

^۱ ماده ۴۹۲ ق.م.ا: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله، مستند به رفتار مرتکب باشد، اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود.»

نمود: قاعده اصلی مسؤولیت متصرف، قاعده «ضمان‌ید» می‌باشد که مسؤولیتی بدون اثبات تقصیر است و قاعده استیمان (امانت) استثنای آن و نیازمند اثبات تعدی و تفریط امین است.

در حقوق امامیه، مسؤولیت غاصب و شبه غاصب، مبتنی بر قاعده ضمان‌ید و بر گرفته از حدیث مشهور «عَلَى الْيَدِ مَا اخْدَتُ حَتَّى تُؤَدِّيَ»، بوده و جز در مورد استثنایی تصرف امین، استیلاء، بر مال دیگری، ضمان‌آور است.

قاعده اصلی مسؤولیت مدنی غیرمتصرف نیز، قاعده اتلاف (بالمباشره یا مستقیم و یا بالتسبیب یا غیرمستقیم) است که مسؤولیتی بدون نیاز به اثبات تقصیر می‌باشد (درودیان، بی تا).

«ضمان‌ید» اعم است از ضمان غصب و غیرغصب، و آنچه در تبیین این قاعده، مهم است عدم تأثیر تقصیر در تحقق ضمان‌ید بوده و مبنای این مسؤولیت، وضع ید و استیلاء بر مال دیگری بدون مجوز است، خواه عالم‌اً و عامداً صورت گیرد یا از روی جهل و غیر عمد بوده باشد (محقق داماد، ۱۳۸۱).

با اینکه «غصب» نیز در کنار اتلاف و تسبیب در زمره اسباب ضمان قهری آمده، اما اکثر حقوقدانان آنرا خارج از مسؤولیت مدنی به معنای خاص بررسی می‌نمایند، بویژه آنکه احراز رابطه سببیت و نیز اثبات عوامل خارجی و قهری در آن اهمیتی ندارد، هرچند، دستکم یکی از ادله فقهی توجیه کننده مسؤولیت بدون اثبات تقصیر در حقوق ایران محسوب می‌شود. یکی از فقهای معاصرین، به حکم وضعی غصب اشاره می‌کند که همان، ضمان یا مسؤولیت است که به اموال، اعم از عین یا منفعت، اختصاص دارد (الموسوی الخمینی، بی تا).

از دیگر قواعد توجیه کننده مسؤولیت محض، «قاعده لاضرر» می‌باشد و علی‌رغم آنکه قلمرو آن فراتر از ضمان قهری است، اما همان‌طور که گفته شده است: «از قاعده لاضرر، زمانی می‌توان در حل مسائل مربوط به مسؤولیت مدنی بهره برد که اثبات حکم کند، یعنی حکم به جبران ضرر نیز از آن استفاده شود» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱: ۱۳۵). نظر غالب فقهای امامیه در باب مفهوم این قاعده، معنای «نفی ضرر غیرمتدارک» و اثبات کننده حکم می‌باشد، از جمله به عقیده شیخ انصاری، چنانچه شخصی به دیگری زیانی وارد نماید که تحت عناوین اتلاف و تسبیب یا قاعده‌ی ید و نظایر این‌ها قرار نگیرد، یا وجود حکمی از سوی شارع برای جبران ضرر، مورد تردید باشد، به صرف قاعده لاضرر می‌توان حکم به جبران ضرر وی کرد (انصاری، بی تا).

«از این که فقها، ضرر رساننده و مُتلف را در جمیع موارد ضرر یا اکثر موارد آن، ضامن شمرده‌اند، حاکی از این است که قاعده لاضرر، این موارد را هم شامل می‌شود.» (حسینی مراغه‌ای، ۱۷۴۱۷.ه.ق، ص ۳۲۲).

۳-۴. مسؤولیت محض در قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی بعنوان یکی از منابع مسؤولیت مدنی در باب خسارات بدنی است که مقتبس از فقه امامیه مقررات تقریباً مشابهی با قانون مدنی دارد و فصل ششم از کتاب دیات تحت عنوان «موجبات ضمان» در قانون اخیر،

واجد مقرراتی در خصوص مسؤولیت می‌باشد. مطابق ماده ۴۵۲ قانون فوق: «دیه، حسب مورد، حق شخصی مجنی علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسؤولیت مدنی یا ضمان را دارد ...».

علاوه بر آن، ماده ۴۹۲ نیز در بیان یک قاعده کلی نسبت به صدمات بدنی مستوجب دیه، صراحتاً مبنای «استناد» را پذیرفته است. به موجب این ماده: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله، مستند به رفتار مرتکب باشد، اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود.»

واژه «استناد» که بطور مکرر در مواد بعدی این فصل از قانون فوق بکار رفته^۱، در تعبیر و معانی متعددی از سوی حقوقدانان از جمله در معنی «انتساب»، «انتساب ضرر به عامل زیان»، «صدق عرفی تلف» و «رابطه سببیت عرفی» استفاده شده است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱).

از نظر فقها هرگونه آسیب به منافع و حقوق افراد را به صرف انتساب ضرر وارده از باب علت و معلول (سببیت) به فعل عامل ضرر موجب ضمان موجب ضمان می‌دانند^۲؛ آنکه تقصیر یا سوءنیت عامل فوق شرط ضمان باشد. (نجفی، ۱۴۱۳ق، انصاری، ۱۴۱۵ق، فاضل لنگرانی، ۱۳۸۷)

۴-۲. جایگاه قانون مسؤولیت مدنی در نظام حقوقی ایران

علیرغم تأکید قواعد فقهی بر نفعی ضرر و صرف انتساب عرفی زیان به عامل آن در تحقق ضمان، تدوین‌کنندگان قانون مسؤولیت مدنی در اقدامی شتاب‌زده و با نادیده گرفتن قواعد فقهی و مقررات قانون مدنی، در جهت ایجاد یک نظام وحدت‌گرا با حاکمیت نظریه تقصیر و با هدف تکمیل قواعد مسؤولیت مدنی، قاعده تقصیر^۲ را به تقلید از حقوق غرب وارد نظام حقوقی ایران نمودند؛ لیکن در این راه، هرگز توفیقی حاصل نمودند؛ چرا که اولاً: «اندیشه تقصیر که خاستگاه آن حقوق روم بود، بر این پایه و مبنا بود که افراد فقط در صورت ارتکاب خطا و بی‌احتیاطی مسئولند و تحت تأثیر دو جریان یعنی وحدت مسؤولیت کیفری و مدنی و نیز آرمان اخلاق‌گرایی ناشی از تعالیم کلیسا و مسیحیت پیدایش یافت و سپس در قانون مدنی فرانسه به تصویب رسید و از آن طریق به قوانین سایر کشورها از جمله به ماده یک قانون مسؤولیت مدنی ۱۳۳۹ راه یافته است» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱، ص ۶۰)؛ این در حالیست که کارکرد «تقصیر» در حقوق اسلام و ایران، همانند حقوق اروپا به عنوان مبنای مسؤولیت مدنی، مورد توجه نبوده، بلکه عمدتاً نقشی در باب امانات و یا عامل احرازکننده رابطه سببیت دارد.

^۱ ر.ک: تبصره ماده ۱۴ و مواد ۵۰۵، ۵۰۶، تبصره ماده ۵۱۷، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۱ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی.

^۲ ماده یک قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ در این باره مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

ثانیاً: عدم پابندی نظام مسؤولیت مدنی ایران به قاعده تقصیر را می‌توان از تصویب قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی مصوب ۱۳۴۷ که مسؤولیت محض را نسبت به دارندگان خودرو تحمیل نمود، احراز کرد.

ثالثاً: مطابق اصل چهارم قانون اساسی: " کلیه قوانین ومقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی وغیراینهابایدبراساس موازین اسلامی باشد. این اصل براتلاق یاعوموم همه اصول قانون اساسی وقوانین ومقررات دیگرحاکم است وتشخیص این امربرعهده فقهای شورای نگهبان است." همچنین بموجب اصل هفتادودوم همان قانون: " مجلس شورای اسلامی نمی‌تواندقوانینی وضع کندکه بااصول واحکام مذهب رسمی کشوریاقانون اساسی مغایرت داشته باشد.... احکام مقرر در اصول مذکور مبتنی بر لزوم انطباق کلیه مقررات قانونی با موازین فقهی و اسلامی و ممنوعیت مجلس در وضع قوانین مغایر با احکام و موازین فقهی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خط بطلانی بر قوانین و مقررات مخالف و مغایر به ویژه ماده اول قانون مسؤولیت مدنی و در نتیجه نسخ جزئی و ضمنی آن بوده است.

رابعاً: در نتیجه چنین تبعیتی مطابق با اصول فوق، قوانین جزایی پس از انقلاب اسلامی و به ویژه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مورد خسارات جانی و بدنی مستوجب دیه، مبنای «استناد» یا انتساب عرفی ضرر را مورد پذیرش قرار داد و در مورد صدمات و خسارات فوق ناسخ قسمتی از ماده اول قانون مسؤولیت مدنی قرار گرفت.

در نتیجه با نسخ ضمنی ماده اخیر از قانون مسؤولیت مدنی، نظام مسؤولیت مدنی ایران جایگاه واقعی خود را که بر مبنای مسؤولیت مبتنی بر احراز رابطه سببیت (مسؤولیت محض) می‌باشد، یافته است.

۴-۵. نقش عنصر تقصیر در حقوق مسؤولیت مدنی ایران

همانگونه که گفته شد، تقصیر چه در فقه اسلامی و چه به تبع آن در قوانین مدنی و جزائی، مبنای شرط تحقق مسؤولیت محسوب نمی‌شود، چرا که تقصیر در این مفهوم، مختص حقوق غرب می‌باشد که با قواعد و موازین اسلامی و قانونی حقوق ایران بیگانه است؛ به قول یکی از حقوق دانان: «در تاریخ حقوق ایران، این مهم نیست که آیا شخصی مقصر است یا نه؛ مهم آنست که شخصی دیگر، متضرر شده است و ضرر او به ضرورت باید جبران شود» (جعفری تبار، ۱۳۸۹، ص ۸۳).

«در حقوق اسلام و به تبع آن حقوق ایران، اقدام به فعل زیان‌آور برای مسبب زیان، مسؤولیت‌آور است و صرف انتساب عرفی ضرر به عامل زیان و عدوان عرفی برای مسؤولیت، کافی است و در هر جا که بحث از تقصیر می‌شود، صرفاً برای احراز رابطه سببیت است؛ اگر رابطه سببیت معلوم باشد بحث از تقصیر و عدم تقصیر، مطرح نمی‌شود» (داراب پور، ۱۳۸۷، ص ۷۱).

نویسنده دیگری نیز چنین مقرر می‌دارد: «تقصیر، نقش بسزایی در حقوق مسؤولیت مدنی ایران دارد، البته نه به عنوان مبنای مسؤولیت، بلکه به عنوان عاملی برای احراز رابطه سببیت است. عمده‌ترین عامل احراز رابطه سببیت و استناد، در کنار ایراد خسارت مستقیم، احراز امری غیرمتعارف و ناهنجار است. تقصیر که به معنای رفتاری غیرمتعارف و خارج از هنجارها و بایسته‌های رفتاری است، عاملی اساسی برای تشخیص سبب بروز خسارت شمرده می‌شود. در مواردی که ایراد

خسارت، مستقیم و بی واسطه (به عبارت قانون، به نحو مباشرت) نیست و خسارت، به واسطه امور دیگری تحقق می یابد، برای احراز وجود رابطه سببیت و استناد بین خسارت و عملکرد فرد، ابزار اصلی عرف و حقوق، احراز امری ناهنجار و نامتعارف است و ارتکاب تقصیر و بی احتیاطی نیز از مصادیق بارز امر ناهنجار به شمار می رود. بهمین علت، قانونگذار در موارد مختلف ایراد خسارت به تسبیب، برای آنکه ایراد خسارت بوسیله شیء یا حیوان را مستند به فرد خاصی کند، به لزوم اثبات تقصیر، توجه داشته است. در این موارد، لحاظ تقصیر، وسیله ای برای احراز استناد است، نه مبنای مسؤولیت. بهمین علت، در مواردی که رابطه سببیت، حتی بدون احراز تقصیر به نحوی اثبات شود، دیگر اثبات تقصیر مسبب، منتفی خواهد بود» (بابایی، ۱۳۹۴، صص ۱۳۸-۱۳۹).

در خصوص نقش دیگر تقصیر نیز گفته اند، آنچه قانون مدنی از تقصیر در نظر دارد، مربوط به باب «امانات» و مواردی است که در فقه از مسقطات ضمان، شناخته شده و حالتی است که مانع ضمان امین را برطرف می کند، یعنی «امین» در اثر تعدی و تفریط، صفت امانت را که مانع اجرای قاعده «علی الید» است از دست می دهد و طبق ضوابط مربوط به قاعده «ید»، ضامن مال غیر می شود و بهمین علت در ماده ۹۵۲ قانون مدنی، «حفظ مال غیر»، قید گردیده است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱).

نتیجتاً باید گفت، در حقوق ایران مبنای اصلی و عام مسؤولیت مدنی، مسؤولیت محض یا بدون اثبات تقصیر بر طبق مقررات قانون مدنی و مجازات اسلامی می باشد و ضمن اثبات نسخ ضمنی و جزئی ماده اول قانون مسؤولیت مدنی به واسطه اصول چهارم و هفتاد و دوم قانون اساسی، نقش تقصیر اصولاً نقش احرازکننده رابطه سببیت و ضامن قرار دادن ید امین است، هر چند در برخی موارد استثنایی مثل خسارات معنوی که در مقررات قانون مدنی حکمی در این باره وجود ندارد و یا مسؤولیت در حوادث ورزشی، باید قائل به مسؤولیت مبتنی بر تقصیر بود.

نتیجه گیری

در نظام کامن لا علیرغم وجود مناقشه بر سر تعارض قواعد تقصیر و مسؤولیت محض و برتری هریک نسبت به دیگری در باب مبنای مسؤولیت مدنی، با توجه به تحقق نظام کثرت‌گرایی و حاکمیت حقوق خطاها (و نه حقوق خطا) در سیستم فوق، به لحاظ تعدد شبهه جرم، هر یک از قواعد فوق مستقلاً بسته به نوع شبهه جرم ارتكابی اعمال می‌گردند.

همچنین در دهه‌های اخیر این اندیشه مطرح شده است که نه تنها تفاوت‌های موجود بین این قواعد، موجب قطع ارتباط کامل میان آنها نگردیده، بلکه تعامل آن دو با یکدیگر و آثار هر یک در دیگری قوت بیشتری یافته است.

نقش و جایگاه مسؤولیت محض نسبت به نظریه تقصیر از جهات متعددی ممتاز و واجد اهمیت بوده و موجب گرایش روزافزون نظام مدرن مسؤولیت مدنی کامن لا به آن شده است، زیرا به لحاظ توسعه تکنولوژی و پیشرفت جوامع و به تبع آن، بروز حوادث و خسارات جدید بویژه در عرصه فعالیت‌ها و اشیاء خطرناک و تولیدات معیوب، نظریه تقصیر ناتوان از پاسخگویی به آنها بوده و این مسؤولیت محض است که به دلیل عدم ضرورت اثبات تقصیر عامل زیان، جبران خسارت را با سهولت بیشتر و با وقت و هزینه کمتری ممکن می‌سازد، ضمن آنکه نقش برجسته تری در توزیع ضرر و تحقق عدالت توزیعی و نیز کارایی اقتصادی و بازدارندگی ایفا می‌نماید.

در حقوق ایران، با عنایت به نسخ ضمنی و جزئی ماده اول قانون مسؤولیت مدنی به واسطه احکام مقرر در اصول چهارم و هفتم و دوم قانون اساسی مبنی بر لزوم انطباق کلیه قوانین با موازین فقهی و نیز مستند به قواعد فقهی مندرج در قانون مدنی به ویژه اتلاف (به مباشرت یا به تسبیب)، ضمان ید (غصب) و لاضرر که همگی دلالت بر اصل «نفی ضرر» و لزوم جبران خسارت بدون اثبات تقصیر می‌نمایند، مسؤولیت محض مبنای اصلی و عام مسؤولیت مدنی تلقی شده و تقصیر به عنوان مبنای استثنایی مسؤولیت و عمدتاً عامل احرازکننده رابطه سببیت و ضامن دانستن ید امین در فرض تعدی و تفریط وی محسوب می‌گردد.

فهرست منابع

- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ق)، المکاسب المحرمه والبیع والخیارات، ج ۲، قم، انتشارات مجمع الفکر الاسلامی.
- بی نا (بی تا)، المکاسب، رساله فی قاعده نفی الضرر، چاپ سنگی، بی جا، بی نا.
- ۳ بابایی، ایرج، (۱۳۹۴ش)، حقوق مسؤولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- بادینی، حسن، (۱۳۹۲ش)، فلسفه مسؤولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۹۱ش)، ضمان قهری (مسؤولیت مدنی) با مطالعه تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی و نظام های حقوقی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- حائری شاه باغ، سیدعلی، (۱۳۸۷ش)، شرح قانون مدنی، ج ۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- حسینی مراغه ای، سید میر عبدالفتاح، (۱۳۸۷ش)، عناوین ضمان (اسباب و مسقطات)، ترجمه محمد جواد شریعت باقری، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- بی نا، (۱۴۱۷ق)، العناوین، ج ۱، چاپ اول، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- جعفری، سیاوش، (۱۳۹۳ش)، "مسؤولیت مطلق"، پایان نامه دکتری، استادراهنما ناصر کاتوزیان، حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- جعفری تبار، حسن، (۱۳۸۹ش)، مسؤولیت مدنی کالاها، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
- داراب پور، مهربان، (۱۳۸۷ش)، مسؤولیت های خارج از قرارداد (پرداخت خسارت، استرداد عین و امتیازات)، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- درویدیان، حسنعلی، (بی تا)، «حقوق مدنی ۴»، جزوه درسی مقطع کارشناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب الله، (۱۳۹۳ش)، مسؤولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت.
- عباسلو، بختیار، (۱۳۹۴ش)، مسؤولیت مدنی (با نگرش تطبیقی)، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- فاضل موحد لنگرانی، محمد، (۱۳۸۷ش)، تفصیل الشریعه، چاپ اول، قم، مرکز فقه ائمه اطهار.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸ش)، الزام های خارج از قرارداد: ضمان قهری (مسؤولیت مدنی)، ج ۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاشف الغطاء، محمد حسین، (بی تا)، تحریر المجله، ج ۳، نجف، بی نا.

- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۱ش)، قواعد فقه (بخش مدنی)، چاپ نهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق نائینی (۱۴۱۳ق)، المکاسب والبیع، ج ۲، چاپ اول، قم، موسسه نشر اسلامی.
- الموسوی الخمینی، روح الله، (بی تا)، تحریر الوسیله، ج ۲، چاپ مهر، قم، موسسه دارالعلم.
- نجفی، محمدحسن، (۱۴۱۳ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۷، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- نوین، پرویز، (۱۳۹۲ش)، حقوق مدنی (۴): مسئولیت مدنی تطبیقی، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.

Bruggemeier, Gert, (۲۰۱۲), "Risk and Strict Liability: The Distinct Examples of Germany, The USA and Russia", EUI Working Paper, European University Institute Florence.

Coleman, Jules L., (۱۹۹۲), Risks and wrongs, First published, USA: Cambridge University Press.

Cooter, Robert and Porat, Ariel, (۲۰۰۶), "Liability Externalities Mandatory Choices: Should Doctors pay Less?", The university of Chicago, paper and No. ۳۱۳.

Danyluk Richard W., (۲۰۰۵), "Recent Developments in strict Liability", McDougall Gauley Law Firm.

Fleming, John, (۱۹۷۱), The Law of Torts, ۴th Ed, London: Sweet & Maxwell.

Garven James, (۲۰۰۵), "Moral Hazard, Adverse Selection, and Tort Liability", Journal of Insurance Issues.

Gerhart, Peter, (۲۰۱۰), Tort Law and Social Morality, First published, USA: Cambridge University Press.

Gordley, James, (۲۰۰۰), "The common Law in the Twentieth century: Some Unfinished Business", California Law Review, Vol. ۸۸, Iss. ۶, Art. ۴.

Lunney, Mark, Oliphant ken, (۲۰۰۸), Tort Law, ۳th ed, USA: Oxford University Press.

Kaczorowski, Robert J, (۱۹۹۰), "The common law Background of ۱۹th century Tort Law", Ohio State Law Journal, vol. ۵۱, Iss. ۵.

Keating, Garigory (۲۰۰۱), The "Theory of Enterprise Liability and Common Law Strict Liability", University of Southern California Law.

Lunney, Mark, Oliphant ken, (۲۰۰۸), Tort Law, ۳th ed, USA: Oxford University Press

Mann, Richard and Roberts Barry, (۲۰۱۶), Business Law and the Regulation of Business, ۱۲th Ed, USA: Cengage Learning

Peel, Edvin and Goudkamp, James, (۲۰۱۴), Winfield & Jolowicz on Tort, ۱۹th ed, London: Sweet & Maxwell.

Prosser William, (۱۹۵۵), Handbook of Law of Torts, ۲th Ed, USA: West Publishing co.

- Salmond and Heuston, (۱۹۱۸), *The Law of Torts*, ۱۸th ed. Sweet & Maxwell.
- Steele, Jenny, (۲۰۱۴), *Tort Law: Text, Cases, and Materials*, ۳th ed, USA: Oxford University Press, .
- Vandevelde, Kenneth J, (۱۹۹۰), "A History of prima facie tort: the original of a general Theory of international tort", *hofstra law review*, vol. ۱۹.

The position of Strict Tortious Liability in Common Law and Iranian Law with Emphasizing Islamic Jurisprudence Rules

Abstract:

Strict liability or no fault-based liability is imposed on injurer regardless the existence or non-existence of fault and needless proving the injurer ,only by proving causal link between the loss and wrongful act needless proving injurer's fault. Concerning the controversy about the foundation of civil liability and the domination of either rules of the fault and the strict liability, likewise the opinion of some of lawyers on being general of the fault and being exceptional of strict liability; studying the history of civil liability in common law indicate that since coming into existence tort law, none of these liabilities have not been regarded as main and general basis of the liability, and either independently are applied as for the kind of the tort committed. Nowadays in the legal writings not only are repudiated the issue of the conflict of these liabilities, but also it seems that either these rules conform and coincide together. In Iranian law, because of following civil code from the jurisprudence rules such as the principle of harm, the waste rule (direct and indirect) and the possession rule that all of them indicate the principle of prohibition of necessity of compensation needless proving the fault, and also emphasizing the fourth and the seventy-two principles of the constitution toward the necessity of the coincidence of all statute with shariah and jurisprudence criteria, strict liability is a principal foundation and prevailing to civil liability. Additionally the fault is an exceptional basis of civil liability, and is mostly regarded as the factor of obtaining the causal link.

Key word: causal link, victim, injurer, fault-based liability, strict liability, injurer.

